

تاریخ انتشار: ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ - شنیدن پادکست این مقاله

تنظیم علمی و گردآوری: حسین سعیدی - مدت زمان مطالعه عادی: حدود ۵ تا ۸ دقیقه

مقدمه‌ای بر رفتار کلامی اسکینر، هم‌ارزی محرک و نظریه چارچوب ارتباطی (RFT)

این مقاله یکی از متون مهم و تأثیرگذار در گذار از رفتارگرایی رادیکال کلاسیک به نظریه چارچوب ارتباطی Relational Frame Theory محسوب می‌شود. نویسندگان با بررسی محدودیت‌های تحلیل رفتار کلامی B. F. Skinner، تلاش می‌کنند زمینه‌ای نظری برای فهم پیچیدگی‌های زبان و شناخت انسانی در چارچوب تحلیل رفتار فراهم کنند.

چرا تحلیل رفتار کلامی اسکینر ناکافی بود!

تحلیل‌گران رفتار همواره در پی آن بوده‌اند که اصولی را توسعه دهند که برای تحلیل رفتار پیچیده‌ی انسانی کفایت داشته باشند. برخلاف برخی دیگر از شاخه‌های سنتِ یادگیری حیوانی، تحلیل‌گران رفتار هرگز به «رفتار موش‌ها به خودی خود» علاقه‌مند نبودند (اسکینر، ۱۹۳۸، ص. ۴۴۱). بلکه امید بر این بود که تحلیل رفتارهای نسبتاً ساده‌ی غیرانسانی در محیط‌هایی نسبتاً ساده، به عنوان یک راهبرد پژوهشی ثمربخش عمل کند (نگاه کنید به هیز و هیز، ۱۹۹۲).

این‌که آیا این راهبرد واقعاً مؤثر خواهد بود یا نه، مسئله‌ای تجربی بود، زیرا ما «نه می‌توانیم پیوستگی را تأیید کنیم و نه گسستگی را انکار» (اسکینر، ۱۹۳۸، ص. ۴۴۲). بااین حال، این راهبرد در عمل به طرز شگفت‌آور موفق بود. گسترش اصول تحلیل رفتار برگرفته از مطالعه‌ی موجودات غیرانسانی به رفتار انسان، به توسعه‌ی مداخلاتی انجامید که تأثیری چشمگیر بر حوزه‌های گوناگون مرتبط با مسائل انسانی داشته‌اند.

اسکینر (۱۹۳۸) در ابتدا نگران بود که رویکرد او برای تحلیل رفتار کلامی کافی نباشد. اما تا سال ۱۹۵۷ متقاعد شد که یک تحلیل عاملی مستقیم در این حوزه نیز کارآمد است. بااین حال، اکنون، بیش از شصت و نه سال بعد، تحلیل اسکینر از رویدادهای کلامی به تدریج فرسوده و ناکافی شده است. هم در سطح تجربی و هم در سطح نظری، شکاف‌هایی پدید آمده‌اند. در نتیجه، تحلیل رویدادهای کلامی از منظر تحلیل رفتار اکنون بیش از گذشته در برابر رویکردهای جایگزین گشوده شده است.

تحلیل اسکینر، در نهایت، هرگز «تنها» روایت تحلیل رفتار نبود؛ بلکه صرفاً «یک» روایت تحلیل رفتار بود. نیاز به یک تبیین تحلیل رفتار کافی از رویدادهای کلامی، احتمالاً بیش از هر جا در میان رفتارگرایان رادیکال بالینی احساس می‌شود. از این رو، کل حوزه‌ی رفتارگرایی رادیکال بالینی به وجود تحلیلی کافی و مناسب از رویدادهای کلامی وابسته است.

ضعف‌های موجود در برداشت اسکینر: یک مثال

برخی از تحلیل‌گران رفتار در برابر این ایده مقاومت می‌کنند که نظریه‌ی رفتار کلامی اسکینر ناکافی است. از این رو، ارائه‌ی نمونه‌ای دقیق از فرسایش تدریجی نظریه‌ی اسکینر درباره‌ی رویدادهای کلامی می‌تواند سودمند باشد. نمونه‌های متعددی را می‌توان مطرح کرد، اما یکی از روشن‌ترین آن‌ها تعارض میان مفهوم «تکت» (Tact) در نظریه‌ی اسکینر و پژوهش‌های تجربی مربوط به «هم‌ارزی محرک» (Stimulus Equivalence) است.

تکت (Tact)

در حضور یک سیم، کودکی می‌گوید: «سیم». چرا کودک چنین پاسخی داد؟ در هر تبیین کارکردی، از جمله در تبیین اسکینر، نمی‌توان به این پرسش پاسخ داد مگر آن‌که از هماپندیهایی که آن رویداد کلامی را کنترل می‌کنند آگاه باشیم. اگر کودک به دلیل تاریخچه‌ای از تقویت تعمیم‌یافته برای گفتن «سیم» در حضور چنین اشیائی، واژه‌ی «سیم» را بیان کند، آن پاسخ یک «تکت» محسوب می‌شود. اگر مفهوم «تقویت تعمیم‌یافته» را – که توجه تجربی چندانی دریافت نکرده است – کنار بگذاریم، این تبیین نمونه‌ای نسبتاً سراسر است از یک رفتار عاملی تمیزدهنده (discriminated operant) خواهد بود.

مفهوم «تکت» معقول به نظر می‌رسد و به راحتی می‌توان نمونه‌هایی یافت که در آن‌ها کودکان دقیقاً به همین شیوه آموزش دیده‌اند. اما آیا کودکان عموماً از همین طریق یاد می‌گیرند که رویدادها را نام‌گذاری کنند؟

هم‌ارزی محرک (Stimulus Equivalence)

پدیده‌ی هم‌ارزی محرک اکنون برای خوانندگان این حوزه به خوبی شناخته شده است و نیازی به مرور تفصیلی آن نیست. هنگامی که یک انسان عادی، مجموعه‌ای از تمیزهای شرطی به هم پیوسته را در یک فرایند قراردادی «تطبیق با نمونه» می‌آموزد – برای مثال، در حضور نمونه‌ی A1، گزینه‌ی B1 (و نه B2) و گزینه‌ی C1 (و نه C2) را انتخاب می‌کند – هر

سه محرکِ «ا» (یعنی A1، B1 و C1) به صورت متقابل با یکدیگر مرتبط می‌شوند. برای مثال، در حضور B1، گزینه‌ی A1 انتخاب خواهد شد (تقارن / Symmetry) و در حضور B1، گزینه‌ی C1 انتخاب خواهد شد (هم‌ارزی). این پدیده‌ی بنیادی را می‌توان در قالب یک مثلث در نظر گرفت: اگر هر دو ضلع را در یک جهت آموزش دهیم، هر سه ضلع در هر دو جهت پدیدار خواهند شد. در این حالت، چهار رابطه از شش رابطه به صورت استنتاجی (derived) حاصل می‌شوند.

ارتباط میان «هم‌ارزی محرک» و «تکت» را می‌توان با یک مثال عملی روشن کرد. فرض کنید موارد زیر را آموزش دهیم: در حضور واژه‌ی نوشتاری «سگ»، واژه‌ی گفتاری «سگ» (و نه «گربه») را بیان کن، و به سگ‌ها (و نه گربه‌ها) اشاره کن. با آموزش این دو رابطه (واژه‌ی نوشتاری – نام گفتاری، واژه‌ی نوشتاری – طبقه‌ی اشیاء)، احتمالاً چهار رابطه‌ی استنتاجی دیگر نیز پدیدار خواهند شد: توانایی انتخاب واژه‌ی نوشتاری در حضور نام گفتاری یا شیء، یافتن شیء در حضور نام گفتاری، و بیان نام گفتاری در حضور شیء.

اگر کودک اکنون در حضور سگ واقعی بگوید «سگ»، آیا این پاسخ یک «تکت» است؟ به وضوح خیر.

«تکت» یک اصطلاح فنی است، نه صرفاً واژه‌ای دیگر برای عمل متعارف نام‌گذاری. در این مثال – با فرض آن‌که کودک تجربه‌ی دیگری با این نام‌ها، واژه‌ها یا اشیاء نداشته باشد – گفتن «سگ» در حضور سگ‌ها مبتنی بر تاریخچه‌ی مستقیمی از تقویت تعمیم‌یافته برای گفتن «سگ» در حضور سگ‌ها نیست؛ بنابراین، این پاسخ «تکت» محسوب نمی‌شود. تقارن به وضوح در نوزادان ۱۶ ماهه مشاهده شده است (لیپکنز، هیز و هیز)، و هم‌ارزی کامل دست‌کم تا دو سالگی پدیدار می‌شود (دیوانی، هیز و نلسون، ۱۹۸۶؛ لیپکنز و همکاران). انواع تمیزهای شرطی‌ای که به هم‌ارزی منجر می‌شوند، در محیط عادی کودکان – به‌ویژه محیط زبانی – همه‌جا حاضرند. بنابراین، کاملاً معقول است که فرض کنیم بسیاری از فعالیت‌های «تکت‌مانند» کودکان در واقع تکت نیستند، بلکه بر روابط استنتاجی میان رویدادها مبتنی‌اند.

این تنها یکی از چندین مسئله‌ی تجربی‌ای است که نظریه‌ی اسکینر (۱۹۵۷) با آن‌ها مواجه است. افزون بر این، این نظریه با دشواری‌های مفهومی متعددی نیز روبه‌روست؛ از جمله نحوه‌ی تبیین نقش شنونده، ماهیت ارجاع، ماهیت محرک‌های کلامی و مسائل دیگر (هیز و هیز، ۱۹۸۹). نظریه‌ی اسکینر اکنون بیش از ۳۵ سال قدمت دارد، اما خود این نظریه بر مجموعه‌ای از یافته‌ها و اصول رفتاری بنا شده که بسیار قدیمی‌ترند؛ بخش

عمده‌ی کتاب بر چیزی متکی نیست که پیش از سال ۱۹۳۸ شناخته نشده باشد. با توجه به این فاصله‌ی زمانی طولانی، شگفت‌آور نیست که این نظریه با دشواری‌های فزاینده‌ای مواجه شده باشد.

پرسشی که اکنون تحلیل‌گران رفتار با آن روبه‌رو هستند این است که چگونه می‌توان یافته‌های تجربی جدید و نظریه‌های نوین را با این سنت یکپارچه کرد، بی‌آن‌که جنبه‌های ارزشمند رویکرد اسکینر کنار گذاشته شوند.

منابع:

- Skinner, B. F. (1938). *The behavior of organisms: An experimental analysis*. Appleton-Century.
- Skinner, B. F. (1957). *Verbal behavior*. Appleton-Century-Crofts.
- Hayes, S. C., & Hayes, L. J. (1989). The verbal action of the listener as a basis for rule-governed behavior. In S. C. Hayes (Ed.), *Rule-governed behavior: Cognition, contingencies, and instructional control* (pp. 153-190). Plenum Press.
- Hayes, S. C., & Hayes, L. J. (1992). Verbal relations and the evolution of behavior analysis. *American Psychologist*, 47(11), 1383-1395.
- Lipkens, R. W., Hayes, S. C., & Hayes, L. J. (1993). Longitudinal study of derived stimulus relations in an infant. *Journal of Experimental Child Psychology*, 56(2), 201-239.
- Devany, J. M., Hayes, S. C., & Nelson, B. (1986). Equivalence class formation in language-able and language-disabled children. *Journal of the Experimental Analysis of Behavior*, 46(3), 243-257.
- Hayes, S. C., & Wilson, K. G. (1993). Some applied implications of a contemporary behavior-analytic account of verbal events. *The Behavior Analyst*, 16(2), 283-301.